

چند خط تاریخ

روایت آبراهامیان از پیامدهای انقلاب سفید

### پیشرفت‌های چشمگیری که چشمگیر نبود!

«یرواند آبراهامیان» در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می‌نویسد: «در چهارده سال پس از انقلاب سفید، پیشرفت‌های چشمگیری در بخش‌های بهداشت و آموزش به دست آمد: شمار پزشکان سه برابر شد، میزان مرگ و میر نوزادان از ۲۰ درصده کمتر از ۱۲ درصدسید، میزان باسوادی از ۲۶ به ۴۲ درصد رسید، شمار دانشگاه‌ها ۵ برابر و شمار دانش‌آموزان متوسطه ۳ برابر شد؛ اما همچنان که اغلب منتقدان نیز اشاره می‌کردند، چهارده سال پس از انقلاب سفید، هنوز در ایران نسبت پزشک به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ و میر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستانی به جمعیت، بسیار پایین بود. ۶۸ درصد از بزرگ سالان بی‌سواد بودند، شمار بی‌سوادان در واقع از ۱۳ به حدود ۱۵ میلیون نفر افزایش یافت. کمتر از ۴۰ درصد کودکان کشور دوره دبستان را به‌پایان می‌رساندند. نسبت معلم به شاگرد در مدارس دولتی رو به کاهش بود… از لحاظ درصد افراد دارای تحصیلات عالی، ایران همچنان یکی از ضعیف‌ترین کشورهای خاورمیانه بود.» (صفحه ۵۴۹) «آبراهامیان» با استناد به آمار و ارقام منتشر شده از سوی بانک مرکزی ایران و دیگر بانک‌ها در دوره پهلوی، می‌گوید تا تصویر شفاف‌تری از شرایط اقتصادی مردم ارائه کند: «آشکار بود که در دوره میان ۵۶–۱۳۴۲، باورود جمعیت بیشتر و پیوستن استان‌های دور دست به حوزه اقتصاد، میزان تولید ناخالص ملی بسیار افزایش یافت، اما از این رشد، همه مردم بهره‌میکسان نبردند… بررسی‌های سال ۱۳۵۲ نشان می‌دهد که ۵۵/۵ درصد از کل هزینه‌ها به ۲۰ درصد ثروتمندترین‌ها، ۲/۷ درصد از کل هزینه‌ها به ۲۰ درصد فقیرترین‌ها و ۲۶ درصد از کل هزینه‌ها به ۴۰ درصد از جمعیت متوسط کشور تعلق داشت.»

منبع: آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹): ایران بین دو انقلاب؛ ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحاچی؛ تهران: نشر نی



۴زادنارم، یک محکوم گنج گرفته‌شده در میان گرفته‌اند (عکس از یک جهانگرد اروپایی)

**جواد نوائیان رودسری** - پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در ایران، مجازات مجرمان از سبک‌وسپاق خاصی پیروی نمی‌کرد. البته‌اصل مجازات‌در بسیاری از موارد معلوم‌ومشخص بود؛ مثلاً قاتل را اعدام‌وزانی را شلاق می‌زدند؛ اما نکته حایز اهمیت، ابتکاراتی بود که شاهان و حاکمان قاجار، برای اجرای احکام به خرج می‌دادند. الگوی اجرای حکم مجرمان، معمولاً ارتباط زیادی با نگاه شخصی شاه یا حاکم به مجرم ونحوه ارتکاب جرم داشت. این نگاه شخصی هم، معمولاً با یاد میانی اطرافیان و درباریان شکل می‌گرفت و حتی ببری خان، گر به ناصرالدین شاه هم، در ایجاد آن نقش ایفا می‌کرد؛ بنابراین، گاه عقو ملو کانه شامل حال جانبیان بالفطره می‌شد و زمانی، آتش خشم شاهانه به جان مجرمان جرایم جزئی و حتی بی‌گناهان می‌افتادو هستی آن‌ها را خاکستر می‌کرد. بسته به نوع عقو یا غضب ملو کانه، نوآوری‌های مختلفی بروز و ظهور می‌یافت که در عین غیر انسانی و ظالمانه بودن، شگفتی انسان را بر می‌انگیخت؛ این‌که بطور به ذهن شاه یا شاهزاده‌ای خطور کرده‌است که مجرم بخت بر گشته را گرفتار چنین عقوبتی کند؛ در ادامه مطلب به تعدادی از این نوع مجازات‌ها اشاره می‌کنیم.

#### سربریدن قچری

سربریدن، معمولاً یکی از روش‌های معدوم

**مجازات‌های عجیب و غریب محکومان در عصر قاجار**

# مجسمه می شوی یا گوشت جلوی توپ؟!



محکومی را در شیراز برای اعدام جلوی توپ بسته‌اند (عکاس: ناشناس)

جلوی توپ می‌بستند، اما بعدها، این مجازات چنان عمومی شد که هر مجرمی را که هوس می‌کردند، جلوی توپ می‌بستند. این اقدام، به نوعی، قدرنمایی حکومت نیز محسوب می‌شدو با آن از مردم هر چشم می‌گرفت. این روش در دوره ناصرالدین شاه، در برخی نقاط این خشونت افسار گسیخته را، جهانگردان اروپایی دربار شاه صفی صفوی، دربار هوی نقل کرده‌اند؛ اما در دوره قاجار، سر بریدن، آداب و رسوم ویژه‌ای پیدا کرد. محکوم بچاره را به حضور شاه می‌آوردند؛ به او غذایی که در مطبخ سلطانی آماده شده بود، می‌خوراندندو قلبانی را هم برای کشیدن وی، آماده می‌کردند. در تمام مدت غذا و جای خوردن و قلیان کشیدن، شاه درباریان به نظاره می‌نستندو حتی زنان حرمسرا نیز، از پشت پرده‌های توری، این صحنه پرهیجان را تماشامی کردند؛ بعد از این مراسم، بادستور شاه، میر غضب واردمی شد، به محکوم نگوین بخت جره آبی می‌دادو سپس، سر او را، مانند گوسفند، گوش تا گوش می‌بردو پس از جدا کردن از بدن، روی سینه‌وی می‌گذاشت؛ شاه پس از این بر نامه، قیقه‌های می‌زدو مقداری سکه به دور جنازه محکوم مقتول می‌ریخت!

#### بستن جلوی توپ

به نظر می‌رسد که مجازات بستن جلوی توپ، ابتکار انگلیسی‌ها باشد. آن‌ها در هند، شورش‌ها را این گونه مجازات می‌کردند. در ایران دوره قاجار، مجازات بستن جلوی توپ در جاهایی که وضع مالی حاکمان خوب بودو می‌توانستند خرج باروت را بدهند، رواج پیدا کرد. معمول این بود که در دها و رازن‌ها را

مجرمانی در نظر گرفته می‌شد که به راهزنی مشغول بودند. پیکره گچی آن‌ها در حاشیه مسیرهایی نصب می‌شد که محل تاخت و تاز شان بود و از این طریق، دیگر راهزنان یا افرادی را که در فکر راهزنی بودند، متنبه می‌کردند. با این حال، بسیار پیش می‌آمد که بی گناهانی که تنها در برابر شتمگری حکام ایستاده بودند هم، به این عقوبت در دناک مبتلا می‌شدند.

#### زنده به گور کردن

زنده به گور کردن، روش متداولی برای گرفتن جان محکومان در دوره قاجار و قبل از آن بوده است؛ منتها در این دوره، به برخی شاهزادگان، به تبع سنت مغولان، ابتکار به خرج می‌دادندو همه بدن محکوم را دفن نمی‌کردند. گاه فرد را سر و ته درون زمین می‌کاشتند تا پاهایش بیرون باشد و عبرت خلق شودو زمانی دیگر، محکوم را تا گردن در خاک فرو می‌کردندو تنها سر او را بیرون می‌گذاشتند تا به تدریج بمیرد. معمولاً چهره محکوم بر اثر فشار خاک، حالت وحشتناکی به خود می‌گرفت؛ حالتی که صاحب منصبان از آن برای زهر چشم گرفتن از مردم، سود می‌بردند.

#### منابع:

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه؛ تصحیح و ویرایش عبدالحسین نوائی و الهام ملک‌زاده؛ سازمان اسنادو کتابخانه ملی؛ ۱۳۹۰
تاریخ زندان: در عصر قاجار و پهلوی؛ ناصر ربیعی و احمد راهرو خواجه؛ ققنوس؛ ۱۳۹۰
تاریخ معاصر ایران: از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه؛ پیتر آوری؛ ترجمه: محمد ربیعی؛ عمااتی؛ ۱۳۷۳
جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار؛ وی. ام. فلور؛ ترجمه: ابوالقاسم سری؛ توس؛ ۱۳۶۸

#### جناب سرهنگ

#### عباس صارمی سادات

انتصاب جنابعالی را به سمت

**فرماندهی انتظامی شهرستان مشهد**

تبریک عرض می نماییم، موفقیت شما را آرزومندیم.

#### دکتر بابک خلیل زاده

#### امیر خلیل زاده

#### دکتر سعید مبینی

#### آگهی مزایده کنی (نوبت دوم)

شهرداری کاکخ در نظر دارد نسبت به :

- اجاره یک باب مجتمع شامل حمام ، نانوائی، موزه و کارگاه و
- اجاره یک قطعه زمین به متراژ ۴۵ مترمربع واقع در پارک آبشار
- و فروش یک قطعه زمین به متراژ ۲۷ مترمربع واقع در میدان امام
- اقدام نماید، لذا از کلیه علاقمندان دعوت بعمل می آید . مهلت ارسال پیشنهادات جهت شرکت در مزایده تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۷/۲۰ می باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۵۷۲۲۶۲۴-۰۵۱ داخلی ۱۵ تماس حاصل فرمائید.

**محسن زاده سلیم کاکخی - شهردار کاکخ**

۰۹۸-۸۷۲۷۰

#### آگهی مناقصه عمومی ( دو مرحله ای توام با ارزیابی کیفی ) شماره ۹۸/۳۱۴

#### برگزار کننده مناقصه : شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان شمالی

#### موضوع مناقصه : خرید انواع تیر چهار گوش

ردیف	شرح کالا	مقدار	میزان سیره (ریال)
۱	تیر سیمانی چهارگوش	۹.۲۰۰	۱۵۰
۲	تیر سیمانی چهار گوش	۹.۴۰۰	۴۰۰
۳	تیر سیمانی چهارگوش	۹.۸۰۰	۲۰۰
۴	تیر سیمانی چهار گوش	۱۲.۴۰۰	۳۵۰
۵	تیر سیمانی چهارگوش	۱۲.۸۰۰	۳۲۰
۶	تیر سیمانی چهار گوش	۱۲.۴۰۰	۵۰
۷	تیر سیمانی چهار گوش	۱۴.۸۰۰	۱۲۰

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .
مقتضایم می توانند جهت کسب اطلاعات یبشر با شماره تلفن ۳۱۷۷۷۴۱۳ -۰۵۸ تماس یا به آدرس اینترنتی :

۱- WWW.NKEDC.IR ۲- WWW.TAVANIR.ORG.IR ۳- WWW.IETS.MPORG.IR  مراجعه نمایند.

**روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان شمالی**

گزارش تاریخی

### پاسخ دندان شکن شهید مدرس به عثمانی‌ها



با اشغال بخش‌های وسیعی از ایران، در جنگ جهانی اول و از هم پاشیده شدن شیرازه حکومت مرکزی، جمعی از دولتمردان وطن‌دوست

ایران، دولتی موقت را در کرمانشاه، به ریاست «نظام السلطنه مافی» تشکیل دادند که شهید مدرس نیز، در آن عضویت داشت. با گسترش میدان نبرد و حمله روس‌ها به مناطق شمال غربی ایران، جنگ به کرمانشاه هم رسیدو دولت موقت ناچار شد، پس از جلب رضایت عثمانی‌ها، مقرر خود را به اسلامبول (استانبول امروزی) منتقل کند. سه روز بعد از ورود هیئت دولت موقت از کرمانشاه به اسلامبول، دولت عثمانی آن‌را به رسمیت شناخت و سلطان «محمدپنجم» با نمایندگان دولت موقت در کاخ «دلمه» دیدار کرد. شهید مدرس سخنگوی هیئت ایرانی بود.

#### پاسخ به سلطان عثمانی

سلطان عثمانی به محض مواجهه با نمایندگان ایران، بنای توبیخ ایرانیان را، به دلیل کوتاهی در برخورد با دولت‌های اروپایی و نیز عدم توانایی در اداره مناطق غربی کشور برای جلوگیری از نفوذ روس‌ها، گذاشت. او انتظار داشت دولت موقت که به واسطه حمایت حکومت عثمانی رسمیت یافته‌و در اسلامبول مستقر شده بود، این سخنان توهین‌آمیز را تأیید کند؛ اما شهید مدرس، بدون توجه به سخنان سلطان عثمانی، شروع به صحبت کرد و گفت: «مقصود از مهاجرت ما ایرانیان به این کشور، این است که اولاً، دولت عثمانی صحبت الحاق قسمتی از خاک آذربایجان را به خاک عثمانی موقوف نماید تا ثانیاً، در موضوع صمیمیت بین برادران مسلمان ایرانی و عثمانی مذاکراتی به عمل آوریم.»

#### وضع ما بهتر است

سلطان عثمانی که توقع شنیدن چنین سخنانی را نداشت، پس از کمی گفت‌وگو، برای تحقیر بیشتر ایران، به بیان ایرادهای موجود در نهضت مشروطه پرداخت و با طعنه به شهید مدرس گفت: «شما در حکومت مشروطه ایران، آن‌طور که باید و شاید کاری برای رفاه عمومی انجام نداده‌اید، شهید مدرس با خونسردی پاسخ داد: «خیر، این‌طور نیست که می‌فرمایید، زیرا مایک اداره پستخانه تأسیس کرده‌ایم که باتمام نقاط دنیا ارتباط پستی بین المللی دارد و حال آن که در اسلامبول شما، هر دولتی جداگانه پستخانه تأسیس کرده است و به برخی کشورها که دولتشان در این‌جا پستخانه ندارد، حتی نمی‌توان یک نامه فرستاد.»

#### اتحاد بله، وابستگی نه!

شهید مدرس، در سایر جلسات نیز، به همین نحو رفتار کرد. این هوشمندی و فراست، در مذاکرات اوباصدر اعظم عثمانی، «سعید حلیم‌پاشا»، بیشتر به چشم آمد. صدراعظم عثمانی که به دنبال تحقق اهداف مداخله‌جویانه‌اش در ایران بود، پیشنهاد کرد ضمن تشکیل یک ارتش مشترک از نیروهای دو طرف، نیروهای ایرانی، لباس ارتش عثمانی را به تن کنند تا با این کار، اتحاد به وجود آمده، بر جسته‌تر نشان داده‌شود. شهید مدرس که منظور او از این پیشنهاد به‌خوبی دریافته‌بود، لبخندی زدو گفت: «خیلی چیزهاست که باید بشود ولی نمی‌شود؛ امن هم خیلی چیزها دل‌می‌خواهد ولی ممکن نیست. از طرفی، در وسط‌دانه گندم هم خطی است که به ماهیت آن لطمه‌ای نمی‌زند؛ ما همین لباسی را که داریم خوب است و شما همان لباسی را که دارید خوب است. ولی چقدر خوب بود که صدراعظم می‌گفتند: به جای آن که لباس سربازان ایرانی و عثمانی یکسان شود، برادران ایرانی و عثمانی یکدل شوند.»

## صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

روزنامه	مجله	ویژه نامه	کتاب
اینفوگرافیک	گريد	لوگو	
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰			
layout@khorasannews.com			